

## **Abstract**

This article has studied different periods of urbanization, both appearance , and expansion, Causes and fields, How and why of this expansion with the aim of analysis and study of the urbanization process and physical expansion of Zabol city in order to be suitable and favourable bed in applied dimension for urban planning , making decision and policy in this city and region and it will also be useful for planners.

This research is descriptive-analytic method that has studied urbanization process with analogical view and paying attention to the history of this city in order to make logical decision at the present, and analyse materials by using necessary field and library studies, tables, maps and graphs.

Some of the most important results of this research include:

- Long ancientness of urbanization of this region ( the history of urbanization) returned to Before Christ (3200 B.C) .
- Appearance and dynamics of Zabol city have been caused by regional conditions (productive soil and enough water) and over general conditions (Hirmand and Afghanistan).
- Urbanization in this region follows the logical process changing of village to city.
- The most physical expansion of Zabol city has been caused by created conditions after Islamic revolution.

**Key words:** Urbanization process – physical expansion – Zabol City- regional condition- over regional conditions.

## چکیده

این مقاله با هدف تحلیل و بررسی روند شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهر زابل، به بررسی دوره های مختلف شهرنشینی اهم از پیدایش و گسترش، علل و زمینه ها و بستر مساعد، چگونگی و چرایی این توسعه پرداخته است تا در بعد کاربردی بستر مساعد و مناسبی برای هر گونه برنامه ریزی شهری، تصمیم گیری و سیاستگذاری در این شهر و منطقه باشد و برنامه ریزان را چراغ راه مفیدی به حساب آید.

روش کار در این پژوهش؛ توصیفی - تحلیلی است که با نگاه کیفی به روند شهرنشینی و توجه به گذشته به منظور تصمیم گیری منطقی در حال و با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای و میدانی، جداول، نقشه ها و نمودار های مورد نیاز به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته است. برخی از مهمترین نتایج این تحقیق عبارتند از:

- قدمت طولانی مدت شهرنشینی در منطقه به قبل از میلاد مسیح (۳۲۰۰ سال قبل از میلاد) بازمی گردد.
- پیدایش و پویایی شهر زابل ناشی از؛ شرایط منطقه ای (خاک مساعد و آب کافی) و فرامنطقه ای (هیرمند و افغانستان) بوده است.
- شهرنشینی در این منطقه از روال منطقی تبدیل روستا به شهر تبعیت می کند (تبدیل روستای حسین آباد به شهر زابل).
- بیشترین توسعه و گسترش فیزیکی شهر زابل ناشی از شرایط بوجود آمده پس از انقلاب اسلامی بوده است.

## واژگان کلیدی

روند شهرنشینی - توسعه فیزیکی - شهر زابل - شرایط منطقه ای - شرایط فرا منطقه ای.

## مقدمه:

شهر زابل مرکز شهرستان زابل در دشت سیستان در شمال استان سیستان و بلوچستان در منطقه ای واقع شده که بر اساس یافته های شهر سوخته، دارای قدمت شهرنشینی ۵۰۰۰ ساله ای است که لزوم توجه و مطالعه زندگی شهرنشینی در آن را دو چندان نموده است. شاید بتوان گفت، شهر زابل ادامه روند شهرنشینی باستانی در منطقه می باشد. اگر چه این شهر دارای قدمت کمی از نظر شهرنشینی بوده و سابقه آن از ۱۵۰ سال فراتر نمی رود، اما میراث دار شهرنشینی دراز مدتی بوده است و با وجود این سابقه نه چندان زیاد، فراز و نشیب های زیادی را این شهر بخود دیده است. خاک مساعد و حاصلخیز، شرایط مناسب کشاورزی باعث ایجاد روستا های زیادی در منطقه شده که از آن جمله، روستای حسین آباد با موقعیت مناسب، شرایط لازم برای الحاق به نصرت آباد را داشته و تبدیل به شهر زابل شده است. روند شکل گیری، گسترش، تأثیر مهاجرت های منطقه ای (مهاجرت از روستا به شهر) و مهاجرت های فرا منطقه ای (مهاجرین افغان)، شرایط اقلیمی (وزش باد)، سیاسی (تغییر مرزها) و اقتصادی (نابودی کشاورزی ناشی از قطع آب هیرمند) از جمله زمینه ها و عوامل اثر گذار در روند شهرنشینی زابل بوده اند.

فرضیه این تحقیق عبارت است از: در پیدایش و گسترش شهر زابل، علاوه بر شرایط منطقه ای، شرایط فرا منطقه ای (خارج از کشور) نیز تا حدودی تأثیر گذار بوده اند.

## روند شهرنشینی در جهان

بررسی یازده ناحیه در دنیای قدیم ( قاره های آسیا، اروپا و افریقا) و هفت ناحیه در دنیای جدید ( قاره آمریکا ) نشان می دهد که آستانه تمدن و شهرنشینی در پنج ناحیه تا دوره مسیحیت در دو هزار سال قبل ظاهر شده است. این پنج ناحیه که هسته های شهری در آنها ایجاد شده عبارتند از: جنوب غرب آسیا، افریقای مرکزی، پرو، هند و چین .

در جنوب غربی آسیا در ناحیه بین النهرین برای اولین بار در تاریخ؛ مجموعه ای از روستاها بوجود آمد که هسته های اولیه نخستین شهرها بودند. در این ناحیه شهر های اولیه مانند اریدو<sup>۱</sup>، کیش<sup>۲</sup>، اور<sup>۳</sup>، لاگاش<sup>۴</sup> و نیپور<sup>۵</sup>، در مرکز مجموعه روستاها و زمین های کشاورزی قرار داشتند. دره رود نیل در مصر، شهرهای ممفیس<sup>۶</sup> و تب<sup>۷</sup> بین هزاره سوم و چهارم قبل از میلاد و شهرهای موهنجودارو<sup>۸</sup> و هاراپا<sup>۹</sup> در دره رود سند و هند حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد نیز به همین شکل بوجود آمدند. شهر کاتال هیوک<sup>۱۰</sup> در آناتولی ترکیه که به گونه ای دیگر به سال ۷۵۶۰ قبل از میلاد بوجود آمده، از جمله شهر های اولیه به شمار می آید (کاظمی، موسی و بدری، علی، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۵).

در حالی که تنها ۳ درصد از جمعیت جهان در سال ۱۸۰۰ میلادی در شهر ها زندگی می کردند، این رقم با انقلاب صنعتی در آغاز قرن بیستم به ۱۵ درصد رسیده است. این نسبت در سال ۱۹۵۰، ۲۹، در ۱۹۹۵، ۴۴/۸ و در حال حاضر ۴۸ درصد می باشد. پیش بینی می شود که در افق سال ۲۰۲۵ جمعیت شهری جهان، به ۶۱/۱ درصد کل جمعیت جهان بالغ گردد که بیش از ۵ میلیارد نفر را شامل می شود. توزیع و روند افزایش جمعیت شهری در مناطق مختلف دنیا، متفاوت است. در افریقا در سال ۱۹۵۰، درصد جمعیت شهری ۱۶ و در ۱۹۸۵، ۳۰ درصد بوده که پیش بینی می شود این رقم در سال ۲۰۲۵ به ۵۵ درصد کل جمعیت افریقا بالغ گردد.

در آسیا این ارقام به ترتیب ۱۶، ۲۸ و ۵۳ درصد بوده، بعد از این نیز چنین خواهد بود. در آمریکای لاتین که پیشتاز توسعه شهر نشینی در کشور های جهان سوم است، در سال ۲۰۲۵ میلادی، ۸۴ درصد

- 
- 1 - Eridu
  - 2 - Kish
  - 3 - Ur
  - 4 - Lagash
  - 5 - Nippour
  - 6 - Memphis
  - 7 - Teb
  - 8 - Mohenjo- daro
  - 9 - Harapa
  - 10 - Catal huyuk

جمعیت شهر نشین خواهد شد؛ در حالی که در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۸۵ به ترتیب ۴۱ و ۶۹ درصد بوده است. در سطح منطقه ای، این ارقام در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۵ در کشورهای در حال پیشرفت، ۲۵ و ۷۵ درصد و برای کشورهای توسعه یافته ۶۷/۵ و ۸۴ درصد خواهد بود. (نظریان، ۱۳۸۰: ۵).

جدول شماره ۱: میزان درصد جمعیت شهر های جهان در نواحی مختلف

درصد جمعیت شهری			جمعیت شهری به میلیون نفر			مناطق و نواحی
۲۰۲۵	۱۹۹۴	۱۹۷۰	۲۰۲۵	۱۹۹۴	۱۹۷۰	
۶۱/۱	۴۴/۸	۳۶/۶	۵۰۶۵	۲۵۲۱	۱۳۵۳	جهان
۷۵	۳۷	۲۵/۱	۴۰۲۵	۱۶۵۳	۶۷۶	مناطق کمتر توسعه یافته
۸۴	۷۴/۴	۶۷/۵	۱۰۴۰	۸۶۸	۶۷۷	مناطق توسعه یافته

United nation, 1994. pp2-23.

## روند شهر نشینی در ایران

شهر نشینی در ایران دارای سابقه طولانی است و آغاز آن به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد بازمی گردد. قدیمی ترین مردمی که در این سرزمین به تمدن شهر نشینی رسیدند، عیلامیها بودند که شهر شوش را بنا کردند. بعد از آن با پیدایش حکومت هایی مانند پادشاهی مادها و هخامنشیان، شهر نشینی در دوره باستان شکل گرفت و پس از دگرگونی هایی که ناشی از استقرار حکومت هایی نظیر سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان بود، به دوره بعد انتقال یافت (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷۲: ۵۶).

روند شهر نشینی در دوره حاکمیت اسلام، از قرن سوم تا ششم هجری قمری، در اثر گسترش و رونق بازارهای داخلی و رابطه آنها با بازارهای خارجی، از توسعه سریعی برخوردار شد. در این زمان شهرهای مهمی با جمعیتی بالغ بر صدها هزار نفر شکل گرفت.

یورش مغول در قرن هفتم هجری، شهرنشینی را از رونق انداخت. البته در زمان غازان خان، شهرنشینی دوباره رونق یافت و در اثر اصلاحاتی که در زمان او انجام گرفت، بسیاری از شهرها آباد شد، ولی هجوم تیمور دوباره وضع را به حالت سابق برگرداند و سبب خرابی و سقوط تعدادی از شهرها و آبادیهای کشور در سراسر قرنهای هشتم و نهم هجری شد (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۱۷).

در اوایل قرن دهم هجری، با به قدرت رسیدن صفویان، عصر تحول در معماری و شهرسازی پدید آمد و شهرسازی به شیوه جدید گسترش یافت (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۷). در این دوره، مهمترین پدیده ای که بر زندگی شهر تأثیر گذاشت، رسمی شدن مذهب تشیع بود.

دوره حکومت قاجاریه، آغاز روابط سیاسی-اقتصادی ایران با کشورهای خارجی و نیز جریان وابستگی سیاسی-اقتصادی را بوجود آورد. دخالتهای دولتهای خارجی در امور داخلی، مشکلات و موانع اقتصادی و آشنایی با فرهنگ غربی، سبب تغییرات بنیادی در فرهنگ جامعه ایران و نظام شهری شد (نظریان، ۱۳۷۷: ۱۶).

استقرار حکومت پهلوی، سر آغاز جدیدی در تاریخ شهرنشینی ایران است، چرا که در این دوره شهرها شروع کردند به دگرگونی و این تغییرات تحت عنوان مدرنیسم در حیات ملی و شهرنشینی ظاهر شد و سر منشأ کلیه تحولات اقتصادی-اجتماعی قرن حاضر گردید. این دوران، حلقه اتصال سیر تکامل شهر در ایران - در گذشته و حال به شمار می رود. در همین زمان تلاش می شود که شهرها جامه سنت از تن در بیاورند و جامه تجدد بپوشند (احمدیان، ۱۳۸۰: ۱۰).

کشور ایران، پیش از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی از نظام شهری و شهرنشینی مطلوبی برخوردار بوده است و اگر چه با بررسی متون و منابع مختلف می توان به چگونگی آن پی برد، به علت عدم وجود آمار و اطلاعات لازم نمی توان کمیت آن را بطور کامل دریافت. محققین مختلف هر کدام از سال ۱۲۲۹ شمسی به بعد آمارهایی از جمعیت شهرنشینی ایران ارائه داده اند که مستندترین سند، جمعیت ایران را در

سال ۱۲۷۹ شمسی، ۹ میلیون و ۸۶۰ هزار نفر جمعیت شهر نشین را ۲ میلیون و ۳۳ هزار نفر ذکر می کند و از ۱۳۳۵ به بعد سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن آمارهای دقیقی از جمعیت شهر نشین ایران ارائه داده اند (زیاری، ۱۳۸۳: ۷۸).

جدول شماره ۲: روند تحولات شهر نشینی در ایران (۱۳۷۵-۱۲۷۹)

شاخص سال آماری	۱۲۷۹	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
کل جمعیت ایران به هزار نفر	۹۸۶۰	۱۸۹۵۵	۲۵۷۸۹	۳۳۷۰۹	۴۹۴۴۵	۶۰۰۵۵
میزان رشد سالانه جمعیت به درصد	-	۱/۰	۳/۰	۲/۷	۳/۹	۲/۵
جمعیت شهری طبق سرشماریها به هزار نفر	۲۰۳۳	۵۹۵۴	۹۷۹۴	۱۵۸۵۵	۲۶۸۴۵	۳۶۷۰۰
میزان شهر نشینی طبق سرشماریها به درصد	۲۰/۶	۳۱/۴	۳۸	۴۷	۵۴/۳	۶۱/۳
جمعیت نقاط ۵ هزار نفر و بیشتر به هزار نفر	۲۰۳۳	۵۹۵۴	۹۷۱۵	۱۵۸۳۳	۲۸۳۲۴	-
تعداد نقاط ۵ هزار نفرو بیشتر	۹۹	۱۸۶	۲۴۹	۳۶۷	۶۰۶	۶۱۴
شهر های یک میلیون نفر به بالا	-	۱	۱	۱	۴	۶

- ابراهیم زاده، عیسی-نگهبان مروی، محمد، ۱۳۸۳: ۵۴ و مستوفی الممالکی، ۱۳۸۰: ۱۷.

### روند شهر نشینی در سیستان و بلوچستان

تاریخ شهر و شهر نشینی در منطقه سیستان و بلوچستان دو مقوله جداگانه است. در حالی که سیستان در جریان تاریخ به علت شرایط مساعد جغرافیایی و موقعیت ناحیه ای به دوره های پر شکوهی از شهر نشینی دست یافته و در تاریخ، منشأ تحولات و دگرگونی های عمیق و زیادی در نظام شهری ناحیه ای ایران و نیز تمدن شهری کشور بوده است، منطقه بلوچستان جایگاه چندانی در تمدن و نظام شهری ایران به دست نیاورده است.

بلوچستان به علت انزوا و شرایط خاص اجتماعی اش نسبت به پیکره سرزمین ملی و حکومت های حاکم بر فلات ایران، کمتر توانسته در نظام و فرهنگ شهر نشینی ایران جایگاه و منزلتی پیدا نماید. ویژگی

های طبیعی نیز در این مسئله بی تأثیر نبوده و از این رو بلوچستان هرگز نتوانسته است موقعیت برتر اقتصادی در طول تاریخ پیدا کند، بنابراین پتانسیل های ناحیه ای که در تمام ادوار تاریخی، شهرهای ایران شکوفایی خود را مدیون آن بودند، به رشد شهر نشینی در این منطقه امکان نداده است.

در طول دوره های قبل و بعد از اسلام از وجود فضا های شهری در منطقه بلوچستان مطلبی در کتب تاریخی ذکر نشده است و گویا مردم بلوچ هنوز امنیت لازم را برای سکونت در مناطق شهری و ایجاد شهرها بدست نیاورده بودند. ولی در دوران حکومت های مستقل ایرانی، بلوچستان نیز مثل سیستان و شاید بیشتر از آن مورد حملات متعدد قرار گرفته و مسلماً در هر حمله ای دچار خسارات و صدمات زیادی شده است. شیوه زندگی قومی و قبیله ای «بلوچ» مانع از بوجود آمدن یک نظام شهر نشینی در منطقه تا قرن دوازدهم هجری شد. (چاوشی، ۱۳۷۶: ۲۹)

آغاز حکومت قاجاریه، شروع تغییرات و تحولات بنیادی در فرهنگ شهر نشینی و شهر سازی ایران است. همزمان با قدرت نمایی شاهان قاجار، دولت استعمارگر انگلیس برای حفظ منافعش در هندوستان ناچار از دخالت در امور سیاسی ایران می شود و با باز شدن پای انگلیس، ایران خواه ناخواه در عرصه سیاست بین المللی ظاهر می شود. این سیاست سبب پیدایش شیوه زندگی بر پایه شهر نشینی در بلوچستان شده و بنیادهای اقتصادی این سرزمین با ورود سرمایه داران انگلیسی و هندی دچار تحول بنیادی می شود. راه آهن میرجاوه - زاهدان احداث شده و به تبع آن، شهر زاهدان رشد شدید کالبدی پیدا می کند. در این دوره فقط زاهدان که در طول حکومت دوره قاجاریه به سبب موقعیت استراتژیک خاصی که پس از نفوذ انگلیسیها پیدا کرده بود به رشد فیزیکی خود ادامه داده و سایر شهر های سیستان و بلوچستان سرنوشتی مشابه با شهر های دیگر ایران داشتند.

انقراض حکومت قاجار و استقرار حکومت پهلوی عصر نوینی را در تاریخ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و شهر نشینی و شهر سازی ایران رقم زد. توجه رضا خان به مناطق دور افتاده ایران از جمله سیستان و



بلوچستان در راستای سرکوب عشایر و قبایل بلوچ، سب توسعه و رشد شتابان شهر زاهدان می شود و به قولی اسم زاهدان را این پادشاه انتخاب می کند و با اعمال سیاست یکجانشین کردن ایلات و عشایر، توجه به امر شهر نشینی و زندگی در فضای شهری را در فرهنگ بلوچ جایگزین می سازد. توجه دولت به منطقه، این مسأله را تشدید می کند و شهرهای بلوچستان چون ایرانشهر و سراوان در مسیر تحول گام بر می دارند. وقوع جنگ جهانی دوم و اشغال کشور به دست انگلیسیها سازمان نسبتاً نظام یافته شهری را در بلوچستان به هم می ریزد. (چاوشی، ۱۳۷۶: ۳۲)

### روند شهر نشینی در منطقه سیستان (زابل)

نام سیستان از «سکاها» (Saka) که یکی از پاک ترین و خالص ترین اقوام نژاد آریایی بوده گرفته شده است، بیشتر آبادیها و آبادانی های این سرزمین به کوشش و پایمردی نیروی سکاها پدید آمده است. سکاها در حدود سنه ۱۲۸ قبل از میلاد، سیستان را به تصرف خود درآورده اند از این تاریخ نام آن به «سکستان» (Sak-estan) سرزمین سکاها تبدیل شده است (مجهول المؤلف، ۱۳۷۳: ۱).

مرسوم شده شهرستان زابل به روایات زیر مربوط است:

- واژه «زابل» که پهلوی آن «زاول» می باشد به مناسبت زال و رستم که یکی از القاب او زابلی است شهرت دارد.

- نام آن از قبیله «زاول» از هونها سفید (هپتالیان) که این منطقه را در سده پنجم میلادی اشغال کرده اند گرفته شده است.

- اینجا را که بنا کردند گفتند هر چیز را باید «از آب و گل» ساخت، سپس حرف «گ» حذف شده و «زاول» گفتند (نویان، ۱۳۷۶: ۲۷۴).

آثار و اسناد و مدارک تاریخی نشانگر این واقعیت است که سیستان از تاریخ درخشان شهر نشینی برخوردار بوده است. تحقیقات باستان شناسی و آثار بدست آمده از حفاری های شهر سوخته (واقع در ۵۴

کیلومتری شهر زابل) نشان می دهد که شهر نشینی در این سرزمین به دوران آغاز تاریخی یعنی ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد می رسد. دکتر منصور سجادی کاوشگر شهر سوخته در مورد شهر سوخته می نویسد: «این شهر مهمترین مرکز استقرار و در حقیقت مرکز اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تمام منطقه در طی هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد بوده است» (کیانی، ۱۳۶۵: ۵۳). در جغرافیای حافظ ابرو آمده است: «... و بُست (Bost) اولین شهر سیستان است، در آنجا رودخانه قندهار که بلاد رُخج (Roxxaj) را سیراب می سازد. از طرف چپ به رود هیرمند ملحق می گردد». در همین کتاب از قول حمدا... مستوفی چنین نوشته شده است که: «سجستان را گرشاسب ساخته و نام آن را زرننگ نهاد و غربان (غریبان) آن را زرنج خواندند و بعداً تغییر یافت و سگان، بعد سگستان، و عرب سجستان و حال سیستان یاد می شود (مایل هروی، ۱۳۴۹: ۵۴-۵۱). استخری سیاح معروف راجع به عظمت و بزرگی شهر زرنج می گوید: «زرنج خرمای فراوان دارد ولی کوه در اطراف آن دیده نمی شود، در زمستان، برف در این ناحیه نمی آید، اما باد می وزد و به همین جهت آسیاب بادی در آنجا فراوان است (سایکس\*، ۱۳۶۳: ۳۷).

به هر حال از مطالعه منابع تاریخی چنین بر می آید که سیستان در دوره های قبل از اسلام از اعتبار و منزلت خاصی برخوردار بوده است و شهرهای بست و زرنج بسیار آباد و از مرکزیت خاصی برخوردار بوده اند، بویژه در اواخر حکومت ساسانی که به قول طبری: «در این زمان سیستان بزرگتر از خراسان بوده، مرز آن سخت تر بوده و مردم آن بیشتر» (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۹۲).

در دوران حاکمیت اعراب در ایران، سیستان مورد توجه خاص مسلمین قرار گرفت و در سال ۲۳ هجری قمری نیروهای مسلمین، سیستان را فتح کردند. در قرن سوم هجری قمری یعقوب لیث صفاری که خود اهل سیستان بود، این سرزمین را تحت اقتدار خود درآورد. بعد از صفاریان، حکومتهای حاکم بر ایران از قبیل سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، تیموریان و... هر کدام در عمران و آبادانی و یا تخریب و ویرانی آن

سهم بسزایی داشته اند. به عنوان مثال در زمان حکومت تیمور لنگ آبادیهای سیستان به ویرانه تبدیل شد و چنان خساراتی به آنجا وارد آمد که جبران آن امکان پذیر نبود زیرا این فرد بد نام و خونخوار تاریخ، قساوت خود را به حد کمال رسانده و دستور خرابی «بند رستم» را صادر نمود (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۷۴).

در سالهای اخیر تسلط انگلستان در منطقه و توطئه استعماری آن باعث تقسیم سیستان به دو منطقه به نامهای: «سیستان خارجی» (  $\frac{3}{5}$  ) از آن افغانستان و «سیستان داخلی» (  $\frac{2}{5}$  ) از آن ایران شد (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۹۴).

تاریخ طولانی سکونت در این سرزمین با ویژگی های جغرافیایی و اقلیمی منطقه بویژه با رود هیرمند پیوند ناگسستنی دارد. این رود به منزله شاهرگ حیات این سرزمین در پیدایش و شکل گیری و توسعه شهرنشینی و تمدن شهری آن نقش اساسی داشته و تاریخ چند هزار ساله سکونت در این منطقه را به گونه ای محسوس بافت و خیزها و تغییر مسیر خود پیوند داده است. هزاران سال پیش این رودخانه در کنار شهر سوخته جاری بوده است و امروزه در کنار شهر زابل .

بطور کلی در طول حیات انسانی در این منطقه، شهرهایی شکل گرفته اند که هر یک در دوره ای خاص، مرکز اداری - سیاسی و اقتصادی منطقه سیستان بوده اند. این شهرها که هم اکنون خرابه ای بیش از آنها باقی نمانده و جزء آثار باستانی منطقه محسوب می شوند عبارتند از:

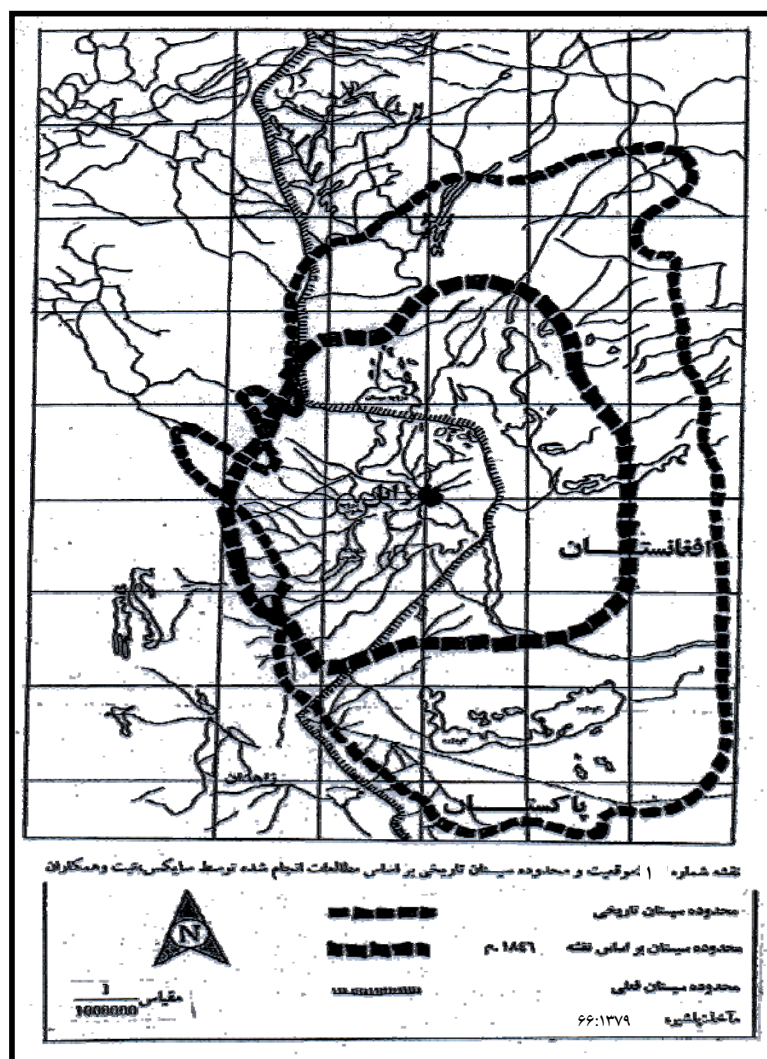
- شهر سوخته: از ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد.

- دهانه غلامان: از قرن ششم تا چهارم پیش از میلاد (دوران هخامنشیان).

- ساروتار: از قرن چهارم پیش از میلاد تا قرن سوم میلادی (دوران سلوکیان و اشکانیان).

- رامهرستان: از قرن سوم تا ششم میلادی (دوران ساسانیان).

- زرنج: از قرن ششم تا اواخر قرن دهم میلادی (ساسانی و سامانی).

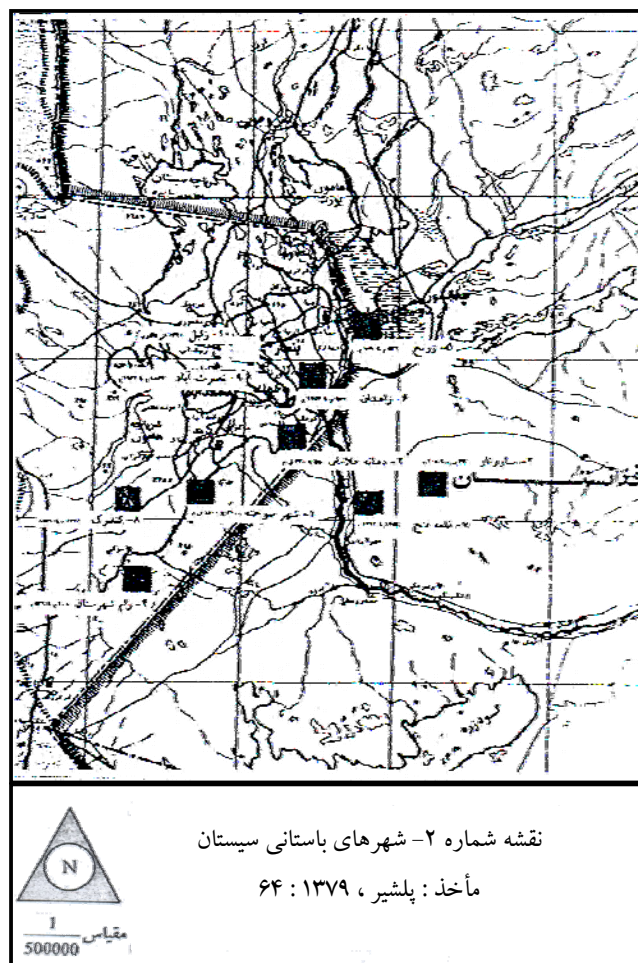


-زاهدان: از قرن پنجم تا نهم هجری (دوران تیموریان) در ۲۲ کیلومتری جنوب شرق زابل.

-قلعه فتح: از قرن هشتم تا دوازدهم هجری (دوران صفوی).

-کندرک (Kondorak): از قرن دوازدهم تا اواخر قرن سیزدهم هجری (قاجاریه).

-زابل (نصرت آباد): از اوایل قرن چهاردهم هجری قمری تا کنون (پلشیر، ۱۳۷۹: ۶۳-۶۱).



## پیدایش و پویایی شهر زابل

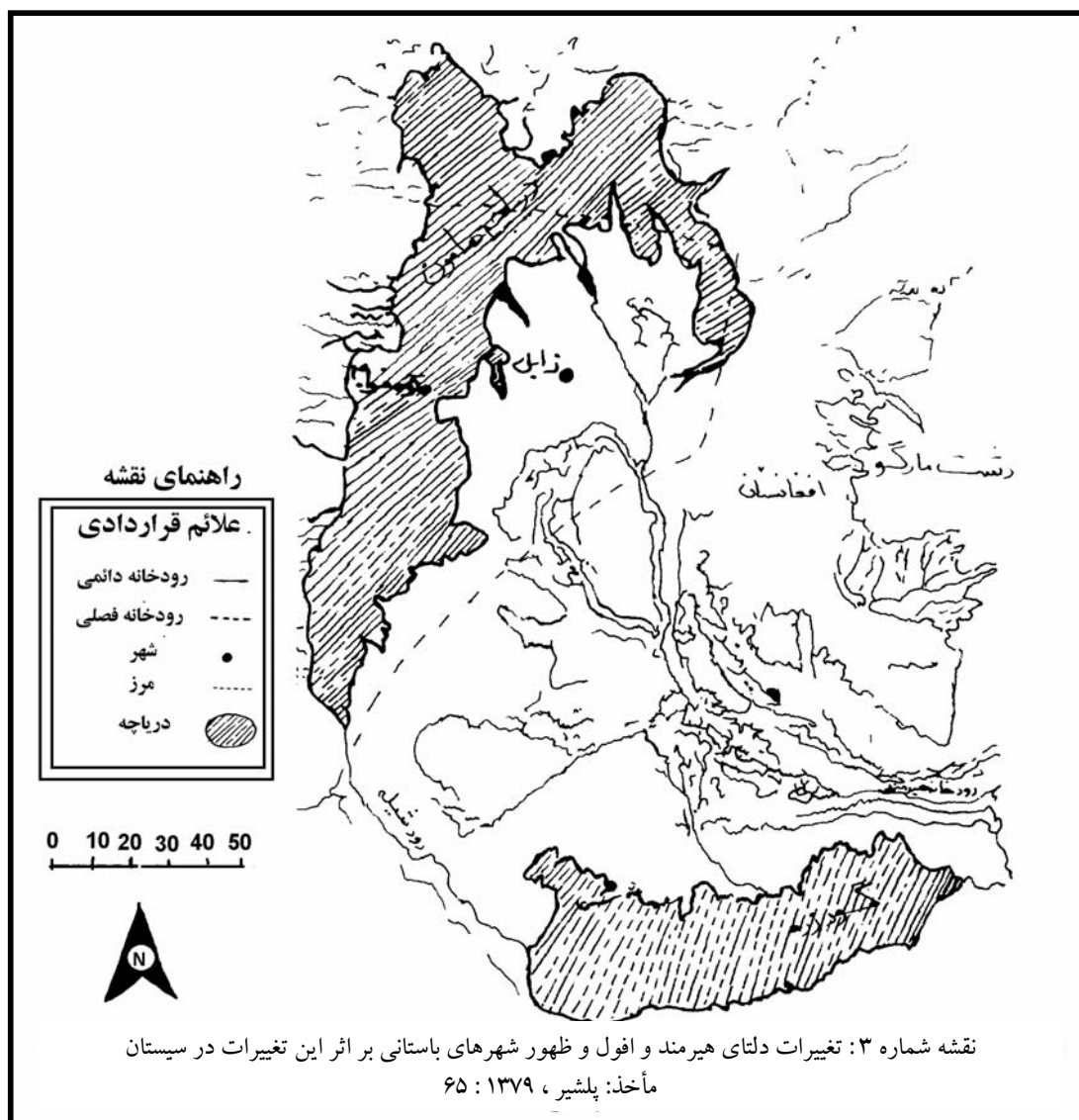
شهر زابل در گذشته دهکده ای به نام نصرت آباد بوده که با اتصال به قریه حسین آباد به نام زابل خوانده شده است. در مورد پیدایش این شهر عقاید مختلفی وجود دارد. بنا بر عقیده برخی از اهالی، حدود ۴۵۰ سال قبل، زابل در محله قلعه رستم - ۳۶ کیلومتری جنوب شهر فعلی قرار داشته است. عده ای شهر قدیمی را زاهدان می دانند که فعلاً خرابه های آن در نزدیکی قاسم آباد (نام روستایی در شهرستان زابل) قرار دارد. ولی آنچه مسلم است محل فعلی زابل، شهر اصلی نبوده و شهر قدیمی را رود هیرمند ویران و محل فعلی که در قدیم حسین آباد نام داشته زابل کنونی شده است. (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۱۵۶).

بیرندرایس (Bernd Rist) نویسنده آلمانی در کتاب خود به نام «زابل» زمان پیدایش نصرت آباد (زابل) را سال ۱۸۶۹ میلادی می داند (Rist, 1981:4).

در واقع پیدایش شهر زابل به عنوان مرکز سیستان در اواخر دوران قاجاریه پاسخی به نیازهای سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی منطقه و کشور ، پس از تقسیم سیستان بین دو کشور ایران (۸۱۸۲ km) و کشور افغانستان (۹۹۶۴km) « بر اساس حکمیت گلد اسمیت» بوده است. در چنین شرایطی از رشد یک نقطه روستایی (حسین آباد) شهری بوجود می آید که به مرور زمان به مرکز تبادلات اجتماعی - اقتصادی منطقه تبدیل می گردد (دانشگاه زابل، ۱۳۷۹: ۳۰).

تمدن شهری در سیستان به دلیل تغییر مسیر هیرمند همواره جابجا شده است و در طول تاریخ به تبعیت از مسیر این رودخانه شهرهای بسیاری بوجود آمده و شهرهای بسیاری نیز از بین رفته اند. به نحوی که هر جا هیرمند جریان داشته زندگی و حیات برقرار بوده و در نبود آن ، آثار حیات وجود نداشته است. پس از تشکیل حکومت متمرکز در کل کشور و از دومین دهه قرن حاضر ، سیستان اهمیت بیشتری می یابد ، شهر زابل که به عنوان مرکز شهرستان زابل در تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ جز استان هشتم (نظریان ، ۱۳۸۳: ۶۹) بوده از این دهه به استان سیستان و بلوچستان ملحق می گردد. در این زمان سیمای کلی شهر زابل با احداث چندین محور اصلی دستخوش تغییرات می گردد. بازار این شهر که در فاصله روستای قدیمی (حسین آباد) و پادگان ارتش قرار داشته گسترش خطی خود را آغاز می کند.

روند شهرنشینی از اواسط دهه چهل و پس از مهاجرت روستاییان منطقه به شهر زابل افزایش می یابد بطوریکه شهر به صورت شعاعی و عمدتاً حول و حوش بازار به گسترش خود ادامه می دهد. این بافت به عنوان بافت میانی ، در مجموع در پیوند با بافت قدیمی شهر قرار می گیرد . سیستم شبکه معابر فرعی در این قسمت نیز از کلیات معابر روستا گونه بافت قدیمی پیروی نموده است. در واقع منشأ روستایی ساکنین جدید و مسایل و مشکلات مربوط به مالکیت ارضی (اراضی خالصه<sup>\*\*</sup>) مانع شکل گیری بافتی روان و کارآمد گردیده است.

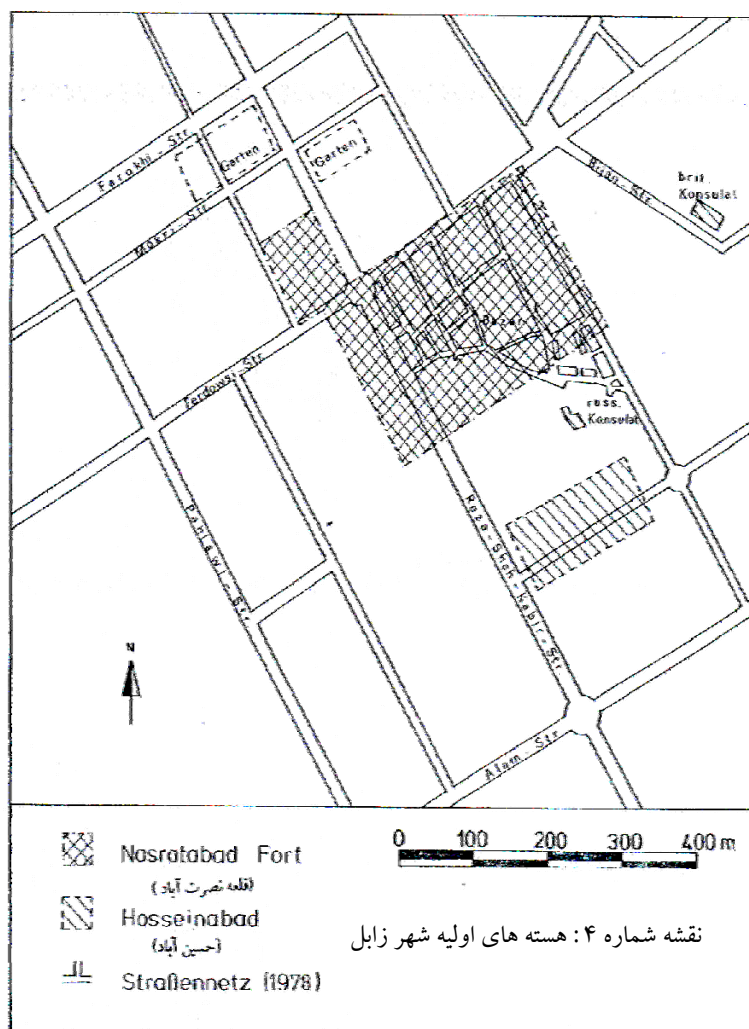


در مورد تاریخ مکتوب شهر زابل، اولین نوشته ها و اسناد و مدارک متعلق به سفر نامه نویسان و محققانی است که به خطه سیستان قدم نهاده و یا از این محل عبور کرده اند. آنچه مسلم و غیر قابل تردید می باشد این مطلب است که محلی که حسین آباد در آن بنا شده، مکان نسبتاً مرتفعی به طول و عرض تقریبی ۴۰۰×۲۵۰ متر (ده هکتار) بوده است، که چنین مکان مرتفعی در اصطلاح محلی «لورگ» (Lourg) نامیده می شود. در اطراف لورگ که مکانی بلند و غیر آبگیر بوده، زمین هایی قرار داشته که در ماههایی از



سال پوشیده از آب بوده و در قسمت هایی از آن نیزارهایی وجود داشته است. چنین شرایط جغرافیایی برای در امان ماندن از خطر پیشروی آب و میل طبیعی انسان در انتخاب مکانهای بلند نسبت به مناطق پست و هموار؛ جهت تسلط بر محیط پیرامون خود و دور ماندن از گزند حوادث انتخابی کاملاً آگاهانه بوده است (شهر و خانه، ۱۳۶۶، جلد دوم: ۴-۵).

برابر اسناد و مدارک تاریخی و با به کارگیری روشهای تطبیقی و تحقیقی، این نکته روشن شده است که اولین نقاط سکونت شهر زابل، حوالی مسجد شریفی و حوزه علمیه فعلی زابل بوده است که سالیان متمادی و بتدریج به صورت شعاعی و بیشتر متمایل به نواحی شرق تا جنوب گسترش یافته است.





پس از سفر رضا شاه پهلوی در سال ۱۳۱۴ شمسی به منطقه و دستور وی نصرت آباد به زابل تغییر نام پیدا کرد و در سال ۱۳۲۴ شمسی اولین خیابانهای شهر شامل خیابان فعلی امام خمینی (رضا شاه)، شهید باقری و بعثت (مکری) احداث می شود و شهر سیمای جدیدی به خود می گیرد.

روند کند گسترش شهر زابل تا زمان انقلاب اسلامی ادامه داشته و از این مقطع است که تغییر و تحولات سریع و عمیقی در تمام جوانب از جمله؛ در احداث و ایجاد فضاهای زیستی آزاد از تمام قید و بندها و مقررات دست و پا گیر قبل از انقلاب اسلامی بوجود می آید. این آزاد سازی و در واقع هرج و مرج در ساختن منازل مسکونی، با توجه به بعد زمان و عمر شهر نقطه عطفی در رشد و گسترش شهر بوده است (شهر و خانه، ۱۳۶۶: ۱۴-۱۳).

### **عوامل و مراحل توسعه فیزیکی شهر زابل**

پدیده شهر و شهر نشینی در تاریخ سرزمین ایران یک پدیده خود جوش و انسانی محسوب شده و هر چند که اولین تظاهرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظام مردمی منطبق بر کوچ نشینی و سپس یکجا نشینی می باشد، اما باید به شهر سوخته با قدمت ۵۰۰۰ سال و شهر های بین ۲ تا ۳ هزار سال پیش در ایران اشاره نمود، که نشانه تمدن و اجتماع انسانها در قالب نظام های حکومتی باستان می باشند و در مکان های مناسب بنا شده اند. پس شهر و شهر نشینی یک پدیده وارداتی و نوین نیست، بلکه با تاریخ کهن این سرزمین هماهنگ و همگام بوده است (مستوفی الممالکی، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۵).

شهر های ایران از جمله شهر زابل در قالب مکانهای جغرافیایی مختلف، به خاطر تاریخچه کهن آنها و تأثیر فرهنگها و سیاست های حکومت های مختلف، یک مجموعه نفیس تاریخی، مذهبی، توریستی و محیطی را مطرح می کنند که همانند یک آینه، منعکس کننده سر گذشت های پیشین می باشند و امروزه از آنها به عنوان یک مجموعه مطالعاتی غنی برای برنامه ریزی های مختلف استفاده می شود.

- عوامل جغرافیایی (شرایط اقلیمی، سیاسی و اقتصادی): عوامل جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی در توسعه فیزیکی شهرها، تأثیر و نقش بسزایی دارند. وضعیت یک منطقه جغرافیایی می تواند امکانات مساعدی را جهت گسترش و توسعه نقاط شهری فراهم سازد و یا مانع آن شود.

دفع آبهای سطحی در شهر زابل از عمده ترین مشکلات کالبدی آن به شمار آمده و بایستی در مقیاس کلان برای آن برنامه ریزی کرد. با توجه به شیب جزئی (یک در هزار) یا بهتر بگوییم مسطح بودن شهر ناشی از قرار گیری در مصب قدیمی رودخانه هیرمند، دفع آبهای سطحی به صورت طبیعی امکان پذیر نمی باشد و در حال حاضر شهرداری آبهای سطحی را در هنگام بارندگی های شدید؛ با پمپ و ماشین آلات آبکش به خارج از شهر هدایت می کند. این در حالی است که در قسمتهای شمالی و شرقی که نسبت به سایر نقاط شهر از ارتفاع مناسبی برخوردار است، این مشکلات کمتر به چشم می خورد. گفتنی است در حال حاضر طرح زهکشی شهر زابل در بخشهای عمده ای از شهر انجام شده و در سایر نقاط در حال انجام است که نقش بارزی در دفع فاضلاب و آبهای سطحی داشته و دارد.

قرار گیری مرکز آموزش نیروی انتظامی (ولی عصر)، پادگان سواره نظام ارتش و هنگ مرزی و تأسیسات مربوط به هر یک در شرق شهر توسعه فیزیکی آن را در این محدوده با مانع جدی روبرو کرده اند در حین حالی که از حیث کاربری اراضی؛ حدود ۷۷۸۲۳۴ متر مربع از مجموع ۱۴/۰۴۷/۲۹۹ متر مربع مساحت شهر زابل را فضاهای اداری، انتظامی و نظامی اشغال نموده (یک پنجم) و باعث شده تا سرانه اداری، انتظامی و نظامی این شهر بیش از ۶/۸۵ متر مربع افزایش یابد در حالی که این میزان بر اساس سرانه وزارت مسکن و شهر سازی بین ۲/۵ - ۱/۵ متر مربع است (ذواشتیاق، ۱۳۷۷: ۱۲۴).

بین عوامل طبیعی، آب و هوا نقش بسیار مهمی در فعالیت های انسانی دارد و مساعدت یا عدم مساعدت آن بیش از سایر عوامل در زمینه گسترش اماکن شهری موثر می باشد (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۱۰۱) که متأسفانه با توجه به سختی شرایط آب و هوایی حاکم در زابل؛ طبق برآوردی که از تعداد روزهای

توأم با طوفان و گردو خاک برای یک دوره ده ساله در سطح کشور به عمل آمده ، منطقه سیستان با بیش از ۱۵۰ روز ، بالاترین نسبت را در سطح کشور به خود اختصاص داده است. میزان بارندگی در سیستان بسیار ناچیز بوده بطوریکه متوسط کل بارندگی سالانه آن در یک دوره ۳۰ ساله معادل ۶۲/۳ میلی متر می باشد ( فر پاک ، ۱۳۶۳ : ۲۳-۲۲). با توجه به شرایط آب و هوایی گرم و خشک منطقه سیستان که ناشی از دمای بالا (متوسط دمای سالانه ۲۲ درجه سانتی گراد ) و رطوبت ناچیز و وزش باد های تند می باشد ، باعث گردیده تا میزان تبخیر و تعرق در این منطقه یکی از بالاترین مقادیر در کشور ایران باشد. به طوری که تبخیر سالانه اندازه گیری شده از طریق تشتک در زابل ، میزان سالانه آن را ۴۸۶۵ میلی متر نشان می دهد. که بیش از ۷۸ برابر بارندگی سالانه منطقه می باشد . شرایط مذکور مساعدت این جنبه از عوامل طبیعی را کاهش داده است.

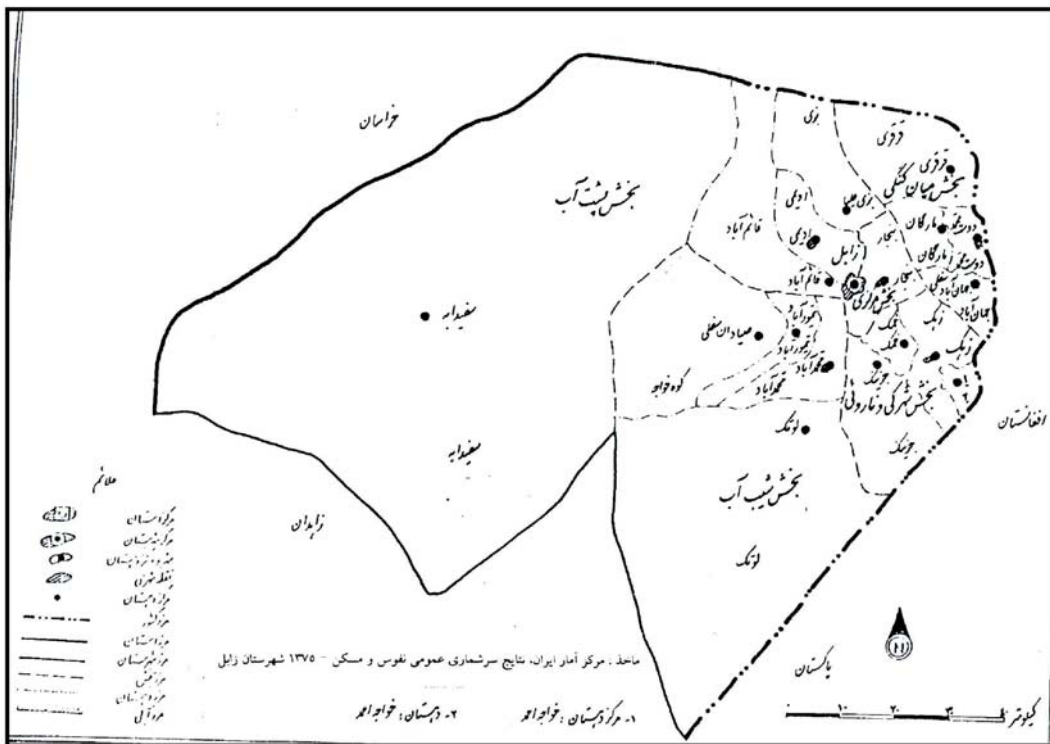
از نظر توپوگرافی ، شهر زابل در دشت کاملاً مسطح سیستان واقع شده است. برای توسعه فیزیکی این شهر در جهات مختلف از نظر طبیعی مشکلی وجود ندارد و امکان رشد آن در تمام جهات وجود دارد بجز موانع مصنوعی که در سطور قبلی به آن اشاره شده است.

قرار گیری شهر زابل در دشت سیستان و در دلتای هیرمند و موقعیت جغرافیایی آن نسبت به سایر شهرها و روستاهای منطقه را می توان از علل تکوین و گسترش فیزیکی آن به شمار آورد.

- **موقعیت مکان مرکزی شهر زابل در منطقه:** توسعه هر شهر به عواملی نظیر ؛ موقعیت مناسب آن ، جمعیت، داد و ستد و مبادلات بازرگانی و به موقع جغرافیایی آن بستگی دارد . موقعیت جغرافیایی شهر با مجموعه ای از داده های طبیعی و انسانی موجود در فضای ناحیه ای که شهر در آن تکوین یافته است ، مشخص می شود.

ژان باستیه ( Jean Bastie ) در ارزیابی موقع جغرافیایی شهر، علاوه بر داده های طبیعی ، داده های اقتصادی ، ساختار انسانی و جمعیتی ، حتی سرحدات سیاسی ، مرزهای زبانی و مذهبی ناحیه را از نظر دور

نمی‌دارد. در انتخاب مکان جغرافیایی شهر و توسعه آن شرایط زمانی و ضرورت های تاریخی ، به ویژه امکانات اقتصادی و تکنیکی نقش به سزایی دارند. چرا که ، در یک دوره تاریخی معین، با عدم دستیابی به امکانات اقتصادی و تکوینی مؤثر ، مکان جغرافیایی شهر ، بی حرکت و نازا و در دوره تاریخی دیگر به تبع بهره گیری از داده های اقتصادی و علمی و فنی، رشد و توسعه شهر سریع و پویاتر خواهد بود.



نقشه شماره ۵: شهرستان زابل به تفکیک بخش و دهستان

آشنایی با ارزش‌های جغرافیایی مکان و موقعیت شهرها، ما را در تشریح چگونگی جایگزینی شهرها، توسعه آینده و تداوم حیات اقتصادی آنها یاری می‌دهد. بنابراین هر فعالیتی که در شهر به وجود می‌آید با داده‌های موقع و مکان جغرافیایی شهر پیوند و رابطه دارد (فرید ، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۰).

شهر زابل ، با توجه به موقعیت جغرافیایی و به واسطه شرایط مساعد دسترسی به داده‌های اقتصادی بالفعل و تا حدی بالقوه ، توانسته است راه رشد و توسعه کند و بطنی خود را دنبال کند. جایجایی جمعیت در سطح منطقه و گسیل نسبی امکانات اقتصادی ، نقش‌های مختلفی (نقش روستا - شهر ، بازار منطقه ،

مرکز خدمات رسانی و ...) را در شهر ایجاد نموده که نتیجه تمامی این موارد، توسعه فیزیکی این شهر را موجب گردیده است. موقعیت مرکزی (نقشه شماره ۵) در تعیین محل کنونی شهر و توسعه آن نقش عمده ای داشته است. تسلط شهر از نظر خدمات (اداری، سیاسی، اقتصادی) بردشت سیستان، رشد کارکرد های مختلف، انباشت نسبی سرمایه و امکانات اقتصادی و شکل گیری مراکز تجاری، اداری، اجتماعی و فرهنگی در سالهای اخیر در این شهر نقش مهمی در گسترش فیزیکی آن داشته اند.

وابستگی شدید منطقه به آب ورودی رودخانه هیرمند، خشکسالی های اتفاق افتاده در سالهای ۱۳۲۶، ۱۳۴۹-۱۳۵۰، ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ و ؟، شیوه زراعی سنتی غرقابی، شرایط را برای مهاجرت روستائیان منطقه به سوی شهر زابل مهیا ساخته است. و شهر کانون پذیرش تمامی کسانی شده که به سختی در روستاها روزگار می گذرانند. تقریباً همزمان با ویرانی برخی روستاها و متروکه شدن آنها، شهرهای اطراف بویژه شهر زابل متورم تر گردیده و روز به روز بر ابعاد فیزیکی و مشکلات آن افزوده شد.

اراضی منطقه سیستان تا سالهای ۱۸-۱۳۱۶ و حتی قسمتی از آنها تا سالهای ۴۶-۱۳۴۱ خالصه بودند که اجاره مالیاتی آن را دولت، سالیانه در ازای دریافت یک سوم از محصول تولیدی یا مقدار معینی از غلات و غیره به سردارها، کدخداهای و افراد متنفذ محلی واگذار می کرد. پس از اصلاحات اراضی و واگذاری اراضی منطقه به دهقانان و روستائیان، دو مسئله باعث گردید تا اصلاحات اراضی دقیقاً اثر معکوسی در سیستان بجای بگذارد؛ اول علیرغم تقسیم و واگذاری زمین، شکل سیاسی - اجتماعی روستا تغییر نکرده و سردار همان نقش قبلی خود را حفظ کرده بود. ثانیاً، مسئله آب و تقسیم آن به مانند جریانهای جدا از کشاورزی به همان شکل سابق خود باقی ماند.

یکی دیگر از عواملی که وجود شرایط سخت حاکم بر منطقه را تشدید نموده و زمینه را بیش از پیش برای مهاجرت روستائیان آماده کرده، وقوع خشکسالی های ادواری هیرمند بوده است که در همین زمان یعنی سالهای ۲۰-۱۳۱۸ شمسی به کلی خشک شده و جاده جلای وطن مردم سخت کوش سیستانی را برای

سالهای متمادی (بویژه ۵۰-۱۳۴۹) هموار نمود که این جاده هنوز هم مسافران خاص خود را داراست (بزی، ۱۳۷۰: ۲۳-۲۲).

وقوع خشکسالی های ادواری اخیر (۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳) به دلیل کاهش شدید آب ورودی هیرمند ناشی از تغییرات اقلیمی و سد سازی های اخیر و مهار هر چه بیشتر آب در افغانستان ، کشاورزی در روستاهای سیستان را به شدت کاهش داده و روستائیان را وادار به انتخاب یکی از گزینه های زیر کرده است:

- رو آوردن به کار تجارت کالا به شکل مجاز یا غیر مجاز آن در حین سکونت در روستا.

- پناه آوردن به شهر زابل به صورت دائم یا انجام کار روزانه در آن

- مهاجرت از منطقه به سوی سایر نقاط کشور.

- **مهاجرتهای فرا منطقه ای ( ورود مهاجرین افغانی):** افغان ها، ایرانی و از عناصر جمعیت ایران به

شمار می روند و در سراسر سیستان و بلوچستان پراکنده اند.مهمترین طایفه ای که از افغانستان به این منطقه مهاجرت کرده طایفه بارکزیایی بوده است.نخستین کسانی که از طایفه مذکور به ایران کوچ کرده اند؛ میر باران خان، پسر میر عبدالله خان ، میربابکر خان و میر نوراخان بوده اند که به سبب بروز اختلاف میان برادران و عموهایشان مجبور به ترک زادگاه خویش شده اند. هم اکنون طایفه بارکزیایی جزو طوایف ایرانی به حساب می آید( افشار سیستانی ، ۱۳۶۹: ۸۵۶).

تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و اشغال افغانستان توسط شوروی سابق در سال ۱۹۷۹ میلادی چندین میلیون از تبعه این کشور آواره کشورهای اطراف به ویژه ایران و پاکستان گردیدند که در این بین اصلی ترین معبر ورودی آنها ، نقاط مرزی شهرستان زابل بوده است. این رخداد غیر منتظره یعنی مهاجرت گسترده افغانه به زابل باعث گردید تا فضا و کالبد شهر زابل دچار نابسامانی و گسترش غیر منتظره ای گردد.

بد نیست که بدانیم بر اساس اطلاعات اداره ریشه کنی مالاریا در سال ۱۳۶۹، حدود ۷/۳۲ درصد از کل جمعیت شهرستان زابل را افغانه تشکیل می داده اند، این رقم در مورد شهر زابل ۵ درصد بوده است. سهم متولدین خارج از کشور در طی دهه ۱۳۵۵ الی ۱۳۶۵ به نسبت دهه قبل از آن (۱۳۴۵-۱۳۵۵) در کل شهرستان زابل از ۰/۱ به ۶/۶ درصد افزایش یافته است که این نسبت در نقاط شهری و روستایی تقریباً به طور مساوی تقسیم شده است. به طوری که ۶/۳ درصد از جمعیت شهری و ۶/۷ درصد از جمعیت روستایی را متولدین خارج از کشور در این دوره (۱۳۵۵-۱۳۶۵) تشکیل می داده اند که تقریباً صد درصد آنها افغانی بوده اند (ابراهیم زاده، ۱۳۷۹: ۳۲۹).

جدول شماره ۱: آمار ساکنان شهر زابل بر اساس محل تولد در سالهای ۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۱۳۷۵

سال	جمعیت شهر		متولدین شهرستان		متولدین شهرستانهای دیگر استان		متولدین استانهای دیگر		متولدین خارج از کشور	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۴۵	۱۸۸۰۶	۱۰۰	۱۷۰۷۶	۹۰/۸۱	۳۷۱	۱/۹۷	۱۳۳۲	۷/۰۸	۲۷	۰/۱۴
۱۳۵۵	۲۹۴۰۴	۱۰۰	۲۶۳۹۷	۸۹/۷	۸۱۹	۲/۷۷	۲۱۰۶	۷/۱۶	۸۸	۰/۳۰
۱۳۶۵	۷۵۸۸۰	۱۰۰	۶۵۳۹۷	۸۶/۱۹	۲۱۸۰	۲/۸۸	۴۷۵۵	۶/۲۶	۳۵۴۸	۴/۶۷
۱۳۷۵	۱۰۰۸۸۷	۱۰۰	۵۹۹۶۰	۶۱/۱۶	۱۸۱۳۷	۱۸/۵۳	۱۷۴۰۱	۱۷/۷۵	۲۸۹۲	۲/۹۵

مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۱۳۷۵

البته رقم ۶/۳ درصدی جمعیت افغانه در زابل، به صورت رسمی و حاصل از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۶۵ بوده که با توجه به شواهد و مدارک موجود و مطالعات میدانی تعداد تازه

واردین در طی دهه ۷۵-۶۵ و نیز بازگشت تعدادی از آنها در سالهای اخیر به کشورشان ، حداقل ۱۰ درصد از جمعیت شهر زابل یعنی ۱۰ هزار نفر (۱۳۷۵) آن افغانی می باشند، که بیش از ۹۰ درصد آنها در محلات حاشیه ای شهر ( قاسم آباد ؛ حسین آباد و ... ) ساکن می باشند و عمدتاً ساختار فضایی - کالبدی حاشیه ای شهر ( گسترش فیزیکی ) را تحت تأثیر قرار داده اند.

#### - مهاجرت‌های درون منطقه ای (مهاجرت‌های روستایی): مهاجرت از روستا به شهر مهمترین شکل

جابجایی جمعیت در داخل مرزهای کشور و حاصل کنش متقابل بین انسان و محیط زیست اوست. این رفتار ، پاسخی از طرف انسان است به شرایطی که بر محیط زندگی او چیره گردیده است و با درخواست های او منافات دارد. پس با وقوع این ناسازگاری به جستجوی محیط ها و فضاهای تازه می پردازد تا مطلوب خویش رابابد. مهاجرت‌های روستایی نیز از همین واقعیت سرچشمه می گیرند.

تا قبل از دهه چهل ، عمدتاً روستاهای منطقه محور اقتصاد شهر زابل به شمار می آمده اند و ضمن تأمین مایحتاج خود ، بخش عمده ای از نیازهای شهر از طریق همین روستاها تأمین می گشت ، لذا شهر جاذبه چندانی برای روستائیان نداشت. از طرف دیگر ، شهر در این دوره ، تنها کارکرد سیاسی و اداری داشته است و سایر کارکردهای آن بسیار محدود بوده است در نتیجه جذابیتی برای مهاجرت نداشت و لیکن پس از این دوره و وقوع اصلاحات اراضی در سال ۱۳۴۲ و تبعات منفی آن که پس از سال ۱۳۴۵ نمایان گردید ؛ به اضافه خشکسالی شدید سال ۱۳۴۹ در سیستان ناشی از قطع آب ورودی هیرمند بر شدت مهاجرت‌های روستایی افزود ، اما شهر زابل گنجایش خیل عظیم روستائیان مهاجر را نداشته و درصد کمی را پذیرا گردید و عمده مهاجرین به سایر شهرها و استانها از جمله گرگان و گنبد کوچ کردند.

با این وجود جمعیت شهر زابل در سال ۶۵ نسبت به دهه قبل (۱۳۵۵) بیش از ۵۰ درصد رشد داشته و جمعیت آن به حدود ۲۹ هزار نفر رسید. اما وسعت شهر زابل در این دوره ، بسیار کند و



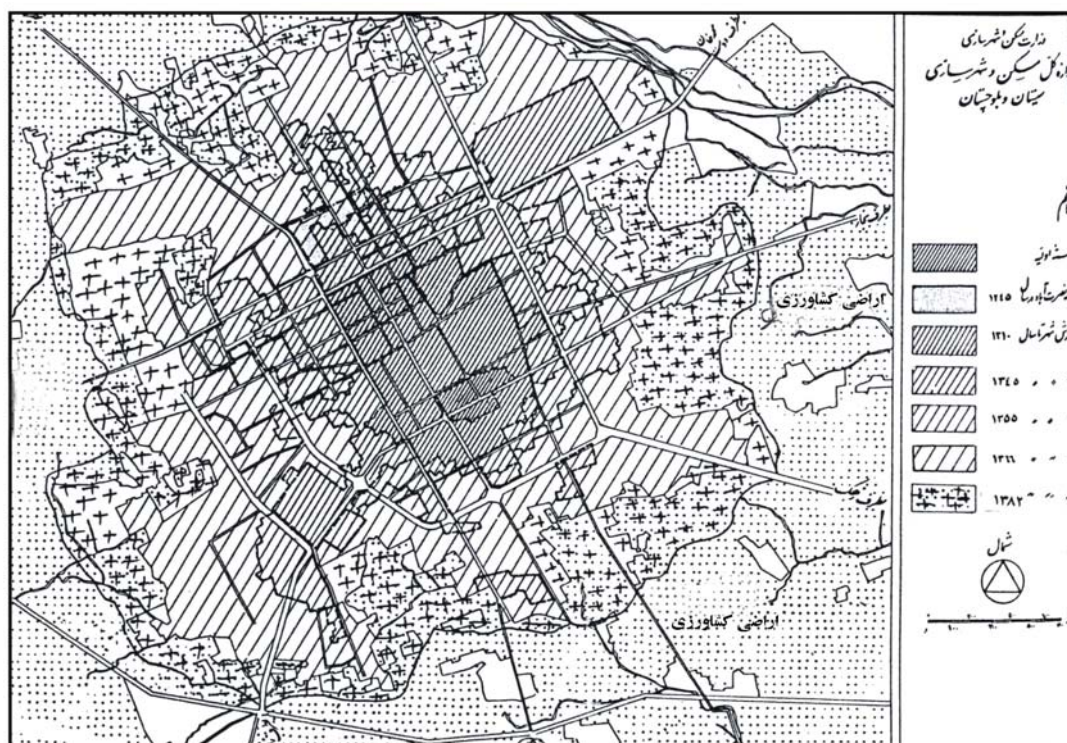
بطئی رشد نموده و از ۱۴۵ هکتار به ۱۶۵ هکتار افزایش یافته است. البته بخشی از این افزایش جمعیت و گسترش فیزیکی ناشی از رشد طبیعی خود شهر و بخشی نیز به دلیل مهاجرت روستائیان به شهر بوده است. نقطه عطف مهاجرت‌های روستایی به شهر زابل در دهه بعد از آن (۱۳۷۵) متجلی گردید؛ پس از انقلاب اسلامی، بدلیل گشایشی که قبل از آن در درآمدهای نفتی کشور در اوایل دهه ۵۰ بوجود آمده بود، سرمایه‌گذاری قابل توجهی در شهرها از جمله شهر زابل صورت گرفت و بسیاری از زیرساختها از قبیل؛ احداث خیابان، گسترش شبکه‌های آب، برق، تلفن، توسعه اداری و تأسیسات و تجهیزات شهری باعث گردید که در سال ۱۳۶۵ جمعیت شهر زابل به بیش از ۳ برابر دهه قبل از آن یعنی به بیش از ۷۵ هزار نفر افزایش یافته و توسعه فیزیکی شهر زابل بیش از ۷ برابر بوده و به ۱۲۰۰ هکتار برسد، که این رشد نامعقول ناشی از مهاجرت‌های فرا منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، الحاق روستاهای اطراف به پیکره اصلی شهر بوده است (بزی، ۱۳۸۳: ۹۱).

در همین دوره تعداد محلات حاشیه‌ای شهر زابل که قبل از آن ۲ تا ۳ محله کوچک بود، به بیش از ۱۴ محله رسید. بدین معنی که علاوه بر محلات قدیمی شهر که شامل، محله‌های کمالی، بیرجندیها، عشرت آباد، قبرستانی، نخعی؛ پاسبانه‌ها و ... بود در این دوره محلات جدید شامل اسلام آباد، شریعتی، حسین آباد، پشت گاراژها، شهید طباطبایی، قاسم آباد و ... شکل گرفته‌اند. جدول زیر توسعه و گسترش فیزیکی شهر زابل را در ۱۵۰ سال گذشته نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: چگونگی گسترش فیزیکی شهر زابل و نسبت تغییرات آن از سال ۱۲۴۵ تا ۱۳۸۲

سال	میزان گسترش شهر به هکتار	وسعت کل شهر به هکتار	نسبت تغییر وسعت شهر (درصد)	جمعیت شهر (نفر)	نسبت تغییر جمعیت شهر (درصد)	تراکم در هکتار (نفر)
هسته اولیه	-	۶	-	-	-	-
۱۲۴۵	۲۴	۳۰	۵۰۰	۱۵۰۰	-	۵۰
۱۳۱۰	۶۴	۹۴	۳۰۰	۵۰۰۰	۳۳۰	۵۳
۱۳۳۵	۲۸	۱۲۲	۱۳۰	۱۲۲۰۰	۲۵۰	۱۰۵
۱۳۴۵	۲۳	۱۴۵	۱۱۸	۱۸۸۰۴	۱۴۰	۱۳۰
۱۳۵۵	۲۰	۱۶۵	۱۱۳	۲۹۴۰۴	۱۵۰	۱۷۸
۱۳۶۵	۱۰۳۴	۱۲۰۰	۷۰۰	۷۵۱۰۵	۲۵۰	۶۳
۱۳۷۵	۱۵۷	۱۳۷۵	۱۱۳	۱۰۰۸۷۷	۱۳۰	۷۴
۱۳۸۲	۴۸	۱۴۰۵	۱۰	۱۱۵۰۰۰	۱۱۳	۸۱/۸
<b>میانگین</b>			۲۶۰		۱۵۹	

مأخذ: بزی، ۱۳۸۲: ۹۲.



نقشه شماره ۶: روند گسترش فیزیکی شهر زابل از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۳

مأخذ: شهرداری زابل، شهر و خانه و پلشیر

## نتیجه گیری

باید گفت؛ شهرنشینی در منطقه سیستان سابقه بسیار طولانی داشته و به هزاره سوم قبل از میلاد می‌رسد. عوامل دینامیک و پویایی شهری نظیر؛ تغییرات دلتای رود هیرمند، خشکسالی و سیلاب‌های مکرر، جنگ و درگیریهای متعدد باعث ایجاد و شکل‌گیری و نابودی شهرهایی از قبیل شهر سوخته، دهانه غلامان و غیره شده اند که شهر زابل در انتهای این روند طولانی مدت شهرنشینی در منطقه قرار دارد.

پیدایش، گسترش و ادامه حیات شهر زابل مدیون رودخانه هیرمند و دلتای حاصلخیز آن است که سرچشمه آن در افغانستان قرار داشته و علیرغم قرار دادهای متعدد منعقد بین ایران و افغانستان، هیچگاه حق آبه استحقاقی ایران به این منطقه نرسیده است.

خاستگاه اولیه شهر زابل دو آبادی کوچک به نامهای نصرت آباد (ارگ حاکم نشین) و حسین آباد (مردم نشین) بوده است که با اتصال این دو در سال ۱۳۱۱ ه. ش، شهر زابل موجودیت یافته است. اولین اقدامات شهرسازی از جمله احداث خیابانهای اصلی شهر زابل در سال ۱۳۲۴ ه. ش زمینه را برای پذیرش سیمای کنونی شهری در آن فراهم ساخته است.

مهاجرت روستائیان منطقه از ابتدای دهه ۵۰ به دلیل وقوع خشکسالی‌ها و سیلاب‌های متعدد و ورود مهاجرین افغان از ۱۳۵۸ به بعد به شهر زابل و اتصال روستاهای همجوار به بیکره اصلی شهر از عوامل مؤثر در رشد سریع فیزیکی آن در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بوده اند به طوری‌که در این فاصله زمانی این شهر از نظر فیزیکی ۷ برابر و از نظر جمعیتی تقریباً ۳ برابر شده است.

## یادداشت :

\* ژنرال سر پرسى سايكس در سال ۱۸۹۸ ميلادى ( ۱۲۷۶ ) در سفرنامه خود به نام « ده هزار مایل در ايران » راجع به شهر زابل مى نويسد : پس از اينكه دولت ايران بر سيستان تسلط پيدا كرد ، ساختمان محصور قلعه ماندى براى سكونت حاكم محل نيز ايجاد گرديد و ضمناً لازم بود كه محل قلعه نزديك به ناحيه اى باشد كه قبلاً متعلق به ايران بوده و تهيه خواربار و آذوقه نيز اشكال نداشته باشد ...

\*\* در تقسيمات كشورى در سال ۱۳۱۶ هجرى شمسى استان هشتم مشتمل بر شهرستانهاى كرمان ، بم ، بندر عباس ، خاش و زابل بوده است.

## منابع:

- ۱- ابراهيم زاده ، عيسى . ( ۱۳۷۹ ) . *تحليلى منطقه اى از روابط متقابل شهرى و روستايى در سيستان* .  
پايان نامه دكتوراى جغرافيا . دانشگاه اصفهان .
- ۲- ابراهيم زاده ، عيسى و محمد نگهبان مروى . ( ۱۳۸۰ ) . *تحليلى بر شهر و جاىگاه شهرهاى جديد در ايران* . فصلنامه تحقيقات جغرافيايى ، شماره ۷۵ .
- ۳- احمديان ، محمد على و فريبا سعادت غلامى . ( ۱۳۸۰ ) . *شهر نشينى و توسعه در ايران* . مجله علوم انساني دانشگاه سيستان و بلوچستان ، شماره ۱۶ .
- ۴- افشار سيستانى ، ايرج . ( ۱۳۶۹ ) . *سيستان نامه* . تهران : نشر مرغ آمين .
- ۵- افشار سيستانى ، ايرج . ( ۱۳۶۳ ) . *نگاهى به سيستان و بلوچستان* ، تهران : ناشر امين خضرايى .
- ۶- بزى ، خدارحم . ( ۱۳۸۳ ) . *تحليلى بر محدوديت هاى فضاىي - كالبدى شهر زابل با تأكيد بر عوامل فرهنگى* . پايان نامه دكتورى جغرافيا و برنامه ريزى شهرى ، دانشگاه اصفهان .

- ۷- بزی، خدارحم. (۱۳۷۰). پژوهشی درباره مهاجرین سیستانی در گرگان و گنبد. پایان نامه کارشناسی جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۸- پلشیر، مهندسان مشاور. (۱۳۷۹). گزارش طرح راهبردی و بهسازی محدوده مرکزی و طراحی شهری محور مرکزی شهر زابل. تهران: وزارت مسکن و شهر سازی، سازمان عمران و بهسازی شهری.
- ۹- چاووشی، اسماعیل. (۱۳۷۶). بنیادهای تاریخی شهر و شهر نشینی در استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۴۴، بهار ۱۳۷۶، ناشر مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا.
- ۱۰- دانشگاه زابل (۱۳۷۹). طرح جامع توسعه فضای سبز شهر زابل.
- ۱۱- ذواشتیاق، صمد. (۱۳۷۷). چکیده طرح جامع جدید ( طرح حفظ و ساماندهی تهران). شرکت پردازش و برنامه ریزی (وابسته به شهرداری) تهران.
- ۱۲- رهنمایی، محمد تقی. (۱۳۶۹). مجموعه مباحث و روشهای شهر سازی: ۴- جغرافیا. چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری وزرات مسکن و شهرسازی.
- ۱۳- زیاری، کرامت. (۱۳۸۳). برنامه ریزی شهرهای جدید. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- سایکس، سر پرسی. (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات لوحه
- ۱۵- سلطان زاده، حسین. (۱۳۶۵). مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهر نشینی در ایران. نشر آبی.
- ۱۶- شهر و خانه، مهندسین مشاور. (۱۳۶۶). طرح توسعه و عمران و حوزه نفوذ و تفصیلی شهر زابل، مرحله اول جلد دوم، وزرات مسکن و شهرسازی، اداره کل مسکن و شهرسازی سیستان و بلوچستان.
- ۱۷- فرپاک، مهندسین مشاور. (۱۳۶۳). گزارش مرحله اول طرح تأمین و احداث شبکه آب مشروب کلیه قراء سیستان، جلد اول، کلیات و مشخصات عمومی، بخش دوم؛ تقسیمات و کلیات طبیعی و اقتصاد در سیستان. سازمان منطقه ای آب سیستان و بلوچستان.
- ۱۸- فرید، یدالله. (۱۳۶۸). جغرافیا و شهرشناسی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

۱۹- کاظمی موسی و علی بدری. (۱۳۸۳). *جغرافیای شهری و روستا شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

۲۰- کیانی، محمد یوسف، (۱۳۶۵). *شهر سوخته، نظری اجمالی به شهر نشینی و شهر سازی در ایران*. انتشارات ارشاد اسلامی.

۲۱- مایل هروی، نجیب. (۱۳۴۹). *جغرافیای حافظ ابرو*. تهران: انتشارات فرهنگستان ایران.

۲۲- مجهول المؤلف. (۱۳۷۳). *تاریخ سیستان گذشته به قرن پنجم هجری*. ویرایش جعفر مدرس صادقی، تهران: نشر مرکز.

۲۳- مستوفی، حمد الله. (۱۳۳۶). *نزهة القلوب*، تهران: انتشارات ظهوری.

۲۴- مستوفی الممالکی، رضا. (۱۳۸۰). *شهر و شهر نشینی در بستر جغرافیای ایران*. مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۲۵- مشهدیزاده دهقانانی، ناصر. (۱۳۷۲). *تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

۲۶- نظریان، اصغر. (۱۳۸۳). *جغرافیای شهری ایران*. انتشارات دانشگاه پیام نور.

۲۷- نوبان، مهر الزمان. (۱۳۷۶). *نام مکانهای جغرافیایی در بستر زمان*. تهران: انتشارات ما.

28- United Nation: **World Urbanization Prospects**.

29- Rist, Bernd. (1981). **Diestadt zabol**. Zur Wirtschaftlichen und Sozialen.

